

Siasate motalieh, 7th Year, No.25, Summer 2019, pp. 285-308
DOI: 10.22034/sm.2019.37457

Forecasting and Moving from Fundamental model to the Islamic-Iranian Model

Muhammad Rahim Eivazi¹

1. Professor, Department of Political Science and Islamic Revolution Studies, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran; ra.eivazi@yahoo.com

Received: 24 April 2019; **Revised:** 1 September 2019; **Accepted:** 4 September 2019

Abstract

The present study aims to investigate the relationship between strategic forecasting and moving from fundamental model to the ultimate Islamic-Iranian model of progress. Moving from the fundamental model to the ultimate model of progress and designing strategies to achieve the desired future, introduction of the task descriptions and the timeline for a set of activities and efforts to enter the ideal landscape, are the central arguments of this study. During this descriptive-analytical study, the results showed that although the fundamental model has been designed on the basis of appropriate scientific and methodological criteria, it is essential for it to have a partial capability in terms of the necessary inconsistency between the components and its intrinsic capacities in the field of future research and strategic foresight in the context of future event recognition. Especially in the field of strategic thinking, it is essential to know the future of developments and identify orientations consistent with the stable and enduring goals of the Islamic Republic.

Keywords: Strategic Forecasting, Islamic-Iranian Model of Progress.

آینده‌نگاری و حرکت از الگوی پایه به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

محمد رحیم عیوضی^۱

۱. استاد، گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران:
ra.eivazi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۸/۰۶/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه میان آینده‌نگاری راهبردی و حرکت از الگوی پایه به سوی الگوی نهایی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. حرکت از الگوی پایه به الگوی نهایی پیشرفت و طراحی راهبردهایی برای نیل به آینده مطلوب، معرفی شرح وظایف و خط سیر مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تلاش‌ها برای ورود به چشم‌انداز آرمانی بحث محوری این مقاله می‌باشد. در این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شد، نتایج نشان داد، علی‌رغم اینکه الگوی پایه توانسته بر پایه معیارها و ملاک‌های علمی و روش‌شناختی مناسب طراحی شود، لیکن ضروری است به لحاظ عدم انسجام لازم بین اجزاء و نیز ظرفیت‌های درونی آن در قلمرو آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری راهبردی در زمینه عمق شناخت رویدادهای آینده از قابلیت نسبی برخوردار باشد. به ویژه در حوزه تفکر استراتژیکی شناخت آینده تحولات و شناسایی جهت‌گیری‌های منطبق با اهداف با ثبات و پایدار جمهوری اسلامی امری ضروری است.

واژه‌های کلیدی: آینده‌پژوهی، آینده‌نگاری راهبردی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.

مقدمه

حوزه مطالعاتی آینده‌پژوهی به عنوان حوزه‌ای جدیدالتأسیس با رویکردی میان رشته‌ای در مطالعات علوم انسانی است که به دنبال راهنمایی و پیگیری مسائل پیش‌روی دانش انسانی در حوزه‌های مختلف علوم و فنون بشری به حساب می‌آید. در واقع این حوزه مطالعاتی به دنبال ترسیم آینده‌های پیش‌رو، با توجه و تأکید بر تهدیدها و فرصت‌هایی است که در هر حوزه مطالعاتی، پیش روی پژوهشگران و متفکران این حوزه مطالعاتی می‌باشد. بنابراین، آینده‌پژوهی را می‌توان به عنوان یک حوزه مطالعاتی در نظر گرفت که امکان، احتمال و ارجحیت نظام‌مندی را برای چه بایدکردهای روش‌مندی در آینده‌های پیش روی هر حوزه مطالعاتی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد.

از چشم‌اندازی دیگر آینده‌پژوهی را می‌توان به عنوان یک دانش درجه دوم در نظر گرفت که در پی ایجاد مطالعاتی در حوزه‌های مختلف علوم و دانش بشری بوده که با ورود به بحث در حوزه‌های مختلف مطالعاتی سعی در تبیین و ترسیم چه بایدکردهای آن حوزه مطالعاتی در آینده‌های دور و نزدیک است. یکی از مهمترین حوزه‌های مطالعاتی در دانش سیاسی و انسانی، مطالعه و پژوهش در چیستی، چگونگی و چرایی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌باشد. این حوزه مطالعاتی از آن جهت می‌تواند حائز اهمیت باشد که به دنبال ایجاد پرسش‌هایی در خصوص چیستی و چرایی به وجود آورنده الگو و چه بایدکرد آنها در آینده است. رابطه میان آینده‌پژوهی و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت منوط به این است که ابتدا مفاهیم نزدیک به آن معرفی شود. اگرچه آینده‌پژوهی به مسایل آینده می‌پردازد، اما انگیزه و هدف از شناخت و کسب معرفت نسبت به آینده، حل مسایل و نیازهای امروز از طریق شناخت مسایل آینده و مواجهه با عدم قطعیت‌های پیش‌روی ساخت آینده بهتر و مطلوب است.

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و فرایند تبدیل قابلیت‌ها به فاعلیت‌ها

الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی تنوری پیچیده‌ای را ارائه می‌دهد، زیرا الگویی مقید از توسعه را دنبال می‌کند. همچنین قید اسلامی بودن، به طور اجمالی چند شاخص اصلی را در توسعه ایجاد

می‌کند و قید ایرانی بودن از اثرگذاری مدل توسعه غربی آن کاسته و به بومی شدن الگوی پیشرفت می‌انجامد. الگویی که واقعیت‌های جامعه ایرانی و کشور ایران را در نظر داشته و شاخص‌های مربوط به یک کشور جوان، مذهبی، با آداب و رسوم شرقی، مختصات جغرافیایی و جمعیتی خاص، منابع غنی و البته ضعف‌ها و کاستی‌های خاص خود را دارد. این الگو باید در اولین گام شعارهای اصلی خود را تعیین کند. این شعارها ضمن آنکه واقعیت‌های جامعه را در نظر دارند، اصول حاکم بر این الگو را نشان می‌دهند. برای مثال یکی از مهمترین اصول یا شعارهای این الگو، خانواده پیشرفت محور است.

آخرت‌گرایی و معنویت‌گرایی

توسعه غربی کمیت‌گرا بوده و رسالت آن اصلاح و بهبود وضعیت مادی انسان‌ها است، در حالی که مفاهیم معنوی که با معیارهای کمی قابل اندازه‌گیری نیستند، در الگوی اسلامی پیشرفت بسیار تعیین‌کننده هستند. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید به مقوله فرهنگ توجه ویژه‌ای مبذول دارد، چرا که وقتی الگوی غربی توسعه، در کشورهای اسلامی وارد می‌شود، بیش از هر چیز فرهنگ را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

پالایش علوم انسانی و نظام مدیریتی کشور

از آنجایی که موضوع پیشرفت انسان و حوزه‌های مختلف زندگی آن مطرح است، مطالعات انسانی این حوزه حائز اهمیت می‌باشد. علاوه بر تلاش علمی جهت کارآمدسازی علوم انسانی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به لحاظ قید ایرانی بودن نیازمند مطالعات اجتماعی در جامعه ایرانی است.

مصلحت اجتماعی و الگوی توسعه غربی

کسانی که همواره به الگوی توسعه غربی اندیشیده‌اند، امروز با سوءاستفاده از ظرفیت مصلحت اجتماعی و با هدف ایجاد تغییرات حداکثری در قوانین اسلامی، اسلام‌زدایی می‌کنند. آنچه بر اهمیت این نکته می‌افزاید این است که در بحث از مصلحت‌های اجتماعی، دغدغه مشروعیت به

کیفیتی که در سایر ادله دینی وجود دارد، مورد نظر نیست و عده‌ای با عمومیت بخشی به پاره‌ای مصالح، ولو با تبلیغات نادرست، نگرانی متشرعین را رفع می‌کنند. بنابراین، توجه به این مهم هم در کنار بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ضرورت دارد.

موانع

اولین و مهمترین مشکل تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ضعف و یا نابسندگی حوزه مطالعاتی می‌باشد. ادبیات علمی این موضوع هنوز شکل نگرفته است. تحقق ادبیات غنی علمی در این باره نیازمند آن است که چالش اصلی فراروی نظام اسلامی در ابعاد نظری و عملی به طور دقیق استخراج شده و نظام وسیعی از سوالات طراحی شود. سختی کار در تهیه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در آن جاست که محققان بخواهند در یک پارادایم برزخی این الگو را تهیه کنند. در حال حاضر کشور ما بین سنت و مدرنیته، آموزه‌های اسلامی و عملکردهای غربی، اهداف دینی و راهبردهای سکولاریستی، حکومت اسلامی و نهادها و ساختارهای غیراسلامی قرار دارد. ساختارهای مدیریتی کشور برای ایجاد این تحول بزرگ و رسیدن به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ناکارآمد هستند.

در فاز اول تلاش‌های علمی برای ترسیم نقشه پایه‌ای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت منجر به نظام اولیه‌ای از الگو گردید. الگوی پایه بر خصایص ذاتی انقلاب اسلامی تاکید داشت، خصایصی که از دو بخش ماهیت و قابلیت تشکیل شده بود. در سند الگوی پایه مساله این بود که چگونه می‌توان در چارچوب استراتژی و برنامه‌ریزی راهبردی به نتایج همگرایی بین این دو توفیق یافت. از رابطه بین ماهیت الگو با قابلیت آن می‌توان شرایط مناسب و قابل تحقق برای به فعلیت درآمدن الگو را فراهم کرد. یک پدیده در ماهیت و بالذات از قابلیت‌های مشخصی برخوردار است که اگر به نیازهای ماهیتی آن پاسخ داده شود و به نحوی مقتضی تأمین گردد، ظرفیت‌های آن به فعلیت در می‌آید. پس پاسخ به نیازهای جامعه ایران پل ارتباطی بین قابلیت‌ها و فاعلیت می‌باشد الگوی پایه از حیث ماهیت از قابلیت‌هایی برخوردار است که اگر امکانات لازم برای پاسخ به نیازهای آن فراهم شود، قابلیت‌های آن به منصفه ظهور خواهد رسید. قابلیت در هر فرآیند کلان

برنامه‌ریزی (از جمله الگوی پایه) که بنا دارد نقشه راه و زمینه حرکت روبه جلو داشته باشد، باید مبتنی بر اقتضائات محیط فردا برنامه‌ریزی شود. در واقع همواره نیاز است بتوانیم محیط پیش‌رو را شناخته، برای آن آماده شده و بعضاً نسبت به تغییر آن از امروز تلاش کنیم. این امر موجب می‌شود در جهان سراسر پیچیدگی و متغیر امروز، غافلگیری در مواجهه با تغییرات محیطی به مراتب کاهش یافته، اقدامات از پیش برنامه‌ریزی شده و برای هدایت جهان آینده به سمت و سوی مطلوبیت‌های خود گام برداریم. سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از یک سو می‌بایست بتواند مبتنی بر اقتضائات محیط آینده نوشته شود تا تغییرات محیطی موجب غافلگیری و ناکارآمدی سند نگردند. از سوی دیگر، الگو به عنوان دیده‌بان تمدن اسلامی - ایرانی، باید تاکید زیادی بر آینده‌پژوهی در عرصه‌های مختلف نموده و تلاش کند این حوزه علمی را به صورت یک فرهنگ عمومی سازمانی و فردی گسترش دهد. بنابراین، اتخاذ روش‌ها و راهکارهایی برای تحقق الگوی اسلامی - ایرانی نیازمند توجه به دو شاخصه مهم ایرانی بودن و اسلامی بودن است. الگوی اسلامی پیشرفت، الگویی است که مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی باشد. در فلسفه اسلامی ابزارهای شناخت عبارتند از: حس، عقل و قلب. ادراکات شهودی به وسیله قلب درک می‌شود، عقل تصدیقات و مفاهیم ثانویه فلسفی و منطقی را درک می‌کند و حس، زمینه‌ساز درک مفاهیم حسی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ص ۴۷).

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در گذار از الگوی پایه به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، با رویکرد آینده‌پژوهانه با چه چالش‌هایی مواجه است؟

از آنجا که الگو به مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه و قوانین اطلاق می‌شود که در یک ساختار منطقی و معرفتی برای توضیح و تفسیر یک سیستم از موجودات تکوینی، پدیده‌ها، روش‌ها، فرآیندها، تئوری‌ها و نظریات ارائه می‌گردد، لذا، باید از ظرفیت‌های لازم شناخت پدیده‌های محیطی و کاربردی برخوردار باشند. در یک تقسیم‌بندی کلی الگوها به دو دسته توصیفی و هنجاری تقسیم می‌شوند. الگوهای توصیفی به توصیف یک امر موجود می‌پردازند و

الگوهای هنجاری آنچه که باید انجام شود را توضیح می‌دهند. بر این اساس، الگوی پیشرفت یک الگوی تئوری است، یعنی مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها است که در ساختاری منطقی، وضعیت موجود را تحلیل، وضعیت مطلوب را تبیین و راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب را ارائه دهد. این الگو در بخش تحلیل وضعیت موجود یک الگوی توصیفی و در بخش ارائه وضعیت مطلوب و راهبردها یک الگوی هنجاری است. الگوهای پیشرفت لااقل در یکی از این سه امر (تحلیل وضعیت موجود، تبیین وضعیت مطلوب، راهبردهای تغییر) با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از عوامل اصلی اختلاف نیز جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم بر این الگوها است. اگر الگو مبتنی بر جهان‌بینی، اخلاق و حقوق اسلامی باشد، می‌توان آن را به اسلامی بودن متصف کرد. بنابراین، الگوی اسلامی پیشرفت الگویی مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی بوده و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی است. این الگو ثابت و جهان‌شمول بوده و قابل تطبیق بر شرایط زمانی و مکانی گوناگون است. اتصاف الگوی اسلامی پیشرفت به ایرانی بودن به جهت تطبیق این الگو بر شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران می‌باشد. بنابراین، اتخاذ روش‌ها و راهکارهایی برای تحقق الگوی اسلامی - ایرانی نیازمند توجه به دو شاخصه مهم ایرانی بودن و اسلامی بودن است (عیوضی و کیقبادی، ۱۳۹۱: ص ۱۷)

آینده‌پژوهی دانشی ذهنی و انتزاعی است که اصول، مبانی و روش‌های خاص خود را دارد که فهم صحیح آنها برای هر شخص و جامعه‌ای که بدنبال ساختن آینده مطلوب خود می‌باشد، اجتناب‌ناپذیر است. بهترین راه فهم صحیح این رشته در اولین گام، مطالعه آثار آینده‌پژوهان غربی و تحلیل نظرات آنها به عنوان خاستگاه علمی و عملی دانش نوین آینده‌پژوهی است. فهم درست این نظرات و مقایسه آنها با دیدگاه‌های آینده‌پژوهان مسلمان، ما را در فهم این رشته به مثابه یک راه‌حل کارآمد برای مشکلات خاص جوامع اسلامی، کمک می‌کند و چشم‌انداز مطلوبی را برای آینده جوامع اسلامی، به طور کلی و کشور خودمان بطور خاص فراهم می‌کند. چنین مقایسه‌ای بین اندیشه‌های متفکران غربی و اسلامی از یک طرف دغدغه‌ها و مسایل مشترکی را نشان می‌دهد

و از طرف دیگر، تفاوت‌های اساسی دو دیدگاه را در درک مسایل و راه‌حل‌های پیشنهادی مشخص می‌سازد. متاسفانه پژوهش‌های انجام شده توسط متفکران اسلامی بسیار کمتر از اندیشمندان غربی بوده و حتی بیشتر این پژوهش‌ها نیز به دلیل فقدان الگوی بومی اسلامی و یا عدم توجه به این گونه مباحث، در قالب چارچوب و الگوهای رویکرد غربی صورت گرفته است. این در حالی است که مبانی فکری قابل اتکایی در منابع اسلامی و فرهنگ غنی ما وجود دارد که می‌تواند مبانی منسجمی را برای نوعی مکتب آینده‌گرایی اسلامی- ایرانی عرضه دارد (Sardar, 1985: p. 45). در هر صورت دغدغه انسان‌ها و جوامع نسبت به آینده و تلاش برای کنکاش درباره آن پدیده‌ای غربی نیست، زیرا برای هر جامعه‌ای آینده اهمیت ذاتی خود را دارد و در عین حال آینده هر جامعه‌ای مختص به خود آن بوده و کاملاً به شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن جامعه بستگی دارد. بنابراین، ساختن فرمولی واحد برای همه تمدن‌ها به نوعی بدفهمی مسأله و اشتباهی جبران‌ناپذیر است.

از سویی فرایندهای آینده دچار شگفتی‌سارهای احتمالی نیز خواهد شد. یک رویداد شگفتی‌آفرین و حیرت‌آور است که پیامدهای مهمی به دنبال دارد. شگفتی‌سازها از قدرت مختل‌سازی کامل بسیاری از امور و تغییر بنیادین تفکر و برنامه‌ریزی بسیاری از افراد برخوردار می‌باشند (Cornish, 2003: p.19). شگفتی‌سازها یکی از غیرقابل پیش‌بینی‌ترین و به صورت بالقوه آسیب‌رسان‌ترین عوامل تغییر از میان چهار عنصر ممکن تغییر روندها، چرخه‌ها، مسائل نوظهور و شگفتی‌سازها به شمار می‌روند (Menonca, 2004: p.201, 203).

در این راستا، پیتر شوارتز^۱ معتقد است در محیط‌های آشوبناک:

- شگفتی‌های بیشتری وجود خواهند داشت؛

- شما قادر به تعامل با آن‌ها خواهید بود؛

1. Peter Schwartze.

- بسیاری از آن‌ها قابل پیش‌بینی هستند، چراکه ریشه‌های آن‌ها در پیشران‌های امروز قرار دارند (پیتر شوارتز، ۲۰۰۳: ص ۲۰۱).

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، نقشه راه تحقق تمدن اسلام در افق آینده است. این الگو روند مطلوب حرکت تمدن اسلام در آینده را نشان می‌دهد و به شکل‌گیری آینده‌ای مطلوب کمک می‌کند. در این راستا، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، آینده‌ساز است. آینده‌ساز بودن الگوی پیشرفت مبتنی بر وجود نگاه آینده‌پژوهانه مطلوب در طراحی الگو است. دیدگاه آینده‌پژوهانه شامل دو مؤلفه اساسی روندشناسی و روندسازی می‌باشد. روندشناسی مقدمه روندسازی بوده و تا روندشناسی صورت نگیرد، طراحی روندهای مطلوب موثر نخواهد بود؛ اما اکتفاء به روندیابی بدون حرکت به سمت روندسازی نیز کفایت نمی‌کند، بلکه تحقق هر دو مؤلفه با هم برآیندی ایجاد می‌کند که منجر به آینده‌سازی براساس اهداف و آرمان‌های مکتبی می‌شود. طراحی آینده مطلوب زمانی ضرورت می‌یابد که تحقق روندهای آینده ما، در تعارض و تزامم با سایر روندهایی قرار می‌گیرند که با اهداف و آرمان‌های دیگر طراحی شده‌اند. این شرایط، همان شرایط رقابت بین ایده‌ها، صنایع، مکاتب فکری و ادیان مختلف در آینده است. رقابت مکاتب فکری با یکدیگر در مقوله تمدن‌سازی بوده و معطوف به آینده است. هر کدام از مکاتب فکری که بتواند روندهای مطلوب خود را در آینده محقق کند، می‌تواند آینده را براساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود تغییر داده و فضای آینده را مدیریت کند. نگاه آینده‌پژوهانه به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در سایه نگاه آینده‌اندیشانه‌ای است که طرح‌نامه کلانی را برای افق مطلوب جمهوری اسلامی و تمدن اسلامی در نظر گرفته است. سند پایه الگوی پیشرفت باید کاملاً منطبق بر محیط آینده باشد تا بتواند از ناهمواری‌های آینده عبور کرده و اثرگذار باشد. لذا، آینده‌پژوهی دغدغه مهمی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. آینده‌ممکنی در پیش‌روی جامعه اسلامی وجود دارد که قرار است الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت آن را تدوین و تشریح کند. باید آینده‌های محتمل را استخراج کنیم و از طریق سناریونویسی به آن بپردازیم. از منظر آینده‌پژوهی، عده‌ای می‌گویند سند پایه الگوی پیشرفت باید راهبرد-محور باشد و عده‌ای بر روندمحوری تاکید دارند. هر کدام از این دو

نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند. الگوی راهبردمحور نگاه حاکمیتی و بالا به پایین دارد و نمی‌تواند واقعیت‌ها را ببیند. الگوی روند-محور نیز صرفاً نگاه فرآیندی دارد. بهترین نوع نگاه الگوی راهبرد-روندمحور است، یعنی از یک‌سو نگاه حاکمیتی و اجرایی داشته باشیم و از سوی دیگر، نگاه آینده‌نگر و از روندهای خود استفاده کنیم.

در مبانی دو نکته مورد توجه است، مبانی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت باید در درون آموزه‌های دینی شکل بگیرد. از طرف دیگر، باید توجه به آینده‌نگری داشته باشد، چون اسلام نگاه وثیقی نسبت به آینده دارد. باید توجه به زمان داشت و پیچیدگی تغییرات را در مبانی دید. توجه به جامعه مهدوی از درون رویکرد مبانی استخراج می‌شود و آرمانشهر اسلامی بر این اساس تعریف می‌شود. لذا، باید یک نوع نگاه آرمانشهری در درون مبانی اسلامی-ایرانی پیشرفت در نظر گرفته شود. آرمان‌های سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت باید از متن دین گرفته شده باشد. آرمان‌ها باید بتوانند نسبت خود را با شرایط حال تنظیم کرده و با محیط آینده نیز ارتباط پیدا کنند. مهمترین رسالت سند، تصویرسازی است که ما اگر بتوانیم تصاویر قابل تحقق را طراحی کنیم، در آینده دچار غافلگیری نخواهیم شد. لذا، باید بین سازمان‌ها و برنامه‌ها با افق پیشرفت همگرایی وجود داشته باشد. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت باید جامعه را در مواجهه با چالش‌ها و پدیده‌های نوظهور آماده کند. ما یک نوع امتزاج مفهومی داریم که هنوز هم افق را طوری تعریف می‌کنیم که مفاهیم از انسجام معرفتی برخوردار نیست. یکی از نقاط ضعف الگوی پایه، عدم انسجام لازم بین بنیان‌های پنج‌گانه مبانی، آرمان‌ها و رسالت‌های افق با رهبری تحول‌گرا است. این مساله باعث شده است که سند هنوز هم خلاءهای مهمی در مورد گسست آن با شرایط و مقتضیات آینده داشته باشد. در واقع چشم‌انداز سند باید مبتنی بر شرایط آینده طراحی شود که بتوانیم سند را به افقی برسانیم که فرایندها به خوبی در آن مشخص شود. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بدون تحول در رهبری و عملکردها و رویه‌ها که در عرصه عملیاتی اتفاق می‌افتد، نمی‌تواند موفق باشد. در تحول باید، تمام امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را در نظر گرفت. تحول خصیصه ماهیتی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است (عیوضی،

۱۳۹۵: ص ۵).

براساس الگوی پایه، تفکر مدیریت استراتژیک در کشور، باید به سمتی سوق داده شود که با بهره‌گیری حداکثری از امکانات موجود و در نظر گرفتن اقتضائات کشور، زمینه دستیابی به آینده‌ای درخشان و در حد استعداد خود را فراهم سازد. بر این اساس، در ایران، الگوسازی براساس آموزه‌های ایرانی - اسلامی در حوزه‌های مختلف فرهنگ، منابع انسانی، اقتصاد حمل و نقل، ورزش، کارآفرینی، سلامت رسانه، مدیریت، محیط زیست، گردشگری، ورزش و غیره نیازمند بومی‌سازی است. متأسفانه این تعمیم‌پذیری الگو در عرصه‌های مختلف کم فروغ ظاهر شده و احاد جامعه به ویژه کارگزاران و نخبگان اعم از دانشگاهی و شاغل در دستگاه‌های اجرایی آنگونه که بایسته و شایسته است از مبانی نظری، معرفتی و اجتماعی آنها آگاهی کافی ندارند.

شاید یکی از خلاءهای ناظر بر این غفلت این است که در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، از مبانی آینده‌پژوهی اسلامی و نیز روش‌ها، راهبردها و نظریه‌های آینده‌پژوهی اسلامی و بومی استفاده نشده است. بنابراین، قدرت اقدام پیش‌تدبیرانه در الگوی پایه به گونه‌ای است که از ظرفیت‌سازی لازم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برخوردار نیست. در آینده‌پژوهی نیاز داریم تا آینده را خوب بشناسیم و روندهای جدیدی بسازیم. در حالی که در سیر تکوین این الگو، بیشتر نگاه به گذشته بوده است. از روش سناریونویسی برای ترسیم انواع آینده مطلوب و نامطلوب و اتخاذ تدبیر برای هر یک از آنها استفاده نکردیم. الگوهای پیشرفت بیشتر به حل مسائل حال می‌پردازند و بنابراین مجالی برای طرح مسائل اساسی و طرح‌های آینده‌نگر و راهبردی باقی نمی‌ماند. الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی با تقلید و ترجمه ساخته نخواهد شد، بلکه این موضوع مهم با تفکر، خلق علم مورد نیاز و مبانی و روش‌های برگرفته از ارزش‌های دینی ساخته می‌شود. در آینده‌پژوهی به تقلید و ترجمه آثار آینده‌پژوهان و روش‌های آینده‌پژوهی اکتفا کرده‌ایم. در حالی که بایستی با تکیه بر منابع و مبادی اسلامی به الگوسازی اسلامی با روش‌شناسی خاص آن پرداخت. بنابراین، پژوهش در مورد آینده متفاوت بوده و هر فرد یا سازمانی باید براساس الگوهای حاکم بر فکرش از روش‌های آینده‌پژوهی استفاده کند. از آنجایی که الگوی اسلامی - ایرانی

پیشرفت دارای دو بعد بشری (ایرانی بودن الگو) و الهی (بخش اسلامی الگو) است، پژوهشگران آینده‌پژوهی را به عنوان مناسب‌ترین روش دستیابی به این الگو تشخیص داده و فن آینده‌پژوهی را به عنوان نقشه راه تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت معرفی می‌کنند. به این ترتیب برای تدوین الگوی مفهومی، در گام اول با بهره‌برداری از متون دینی و اسلامی به دنبال تحقق تصویری مطلوب از آینده با توجه به منابع و آموزه‌های دینی و الهی برآمده و سپس از روش‌های آینده‌پژوهی برای سنجش امکان و نحوه اجرایی شدن آن استفاده می‌شود.

سخن پایانی اینکه، آینده‌پژوهی یکی از روش‌های مدرن مطالعه آینده است که با توجه به عناصر تشکیل‌دهنده آینده - یعنی رویدادها، روندها، تصویرها، اقدامات - و مهندسی هوشمندانه آنها به صورت دانشی جهت‌دار، رفتار می‌کند. ملت ما اگرچه میراث عظیمی از معارف و تمدنی به قدمت ایران باستان دارد، اما هنوز در زمینه آینده‌پژوهی به عنوان یک علم مدرن مسیری طولانی در پیش خواهد داشت. تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان کشور در جهان پر از تحول و تغییر، نیازمند توسعه رهیافت‌های جدید پیش‌بینی و آمادگی برای آینده پیش‌روی هستند. همچنین تصمیم‌سازان در تمام مقیاس‌های فضایی با چالش‌های جدیدی درباره افزایش پیچیدگی‌های محیط تصمیم‌گیری روبرو هستند. متأسفانه در ارتباط با آینده‌پژوهی در کشور باید به این نکته اعتراف کرد که علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، همچنان نشانی از فعالیت‌های هماهنگ، مدبرانه، سازمان‌یافته و یا سازمان‌دهنده برای ساختن آینده‌ای در شأن حقیقی و استعداد واقعی کشور وجود ندارد. بنابراین، در گام نخست، توجه به این نکته اساسی اهمیت دارد که آینده‌پژوهی غربی برای جامعه غیرغربی از اثربخشی لازم برخوردار نیست و نسخه بی‌چون و چرای آینده‌پژوهی در ایران چیزی جز آینده‌پژوهی اسلامی نبوده و برای تعیین چشم‌انداز فعالیت آینده‌پژوهان نیز فقط باید «تمدن نوین اسلامی» در دستور کار قرار گیرد.

در بحث الگوی پایه باید از روایت‌های تاریخی در سطح کلان یاد کرد که با شکل جدیدی از فرهنگ، هویت و مدنیت اسلامی تکامل یافته و معرفت‌شناسی اسلامی را درون‌مایه الگو قرار داد.

با چنین رویکرد کلان روایت‌محوری می‌توان الگوی اسلامی - ایرانی را مجموعه‌ای از قوانین و روایت‌های کلی برشمرد که موجب شکوفایی جامعه اسلامی شده و به عنوان توانایی‌ها و پتانسیل‌هایی نام برد که در فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی در آینده‌های دور و نزدیک، امکان، احتمال و ارجحیت این توانایی‌های موجود را در ابعاد زیر مستحکم گرداند:

تأکید بر کلام وحی و جهان‌بینی و حیانی: توجه و تأکید بر کلام وحی و جهان‌بینی منبعث از این کلام و حیانی به عنوان یک روایت کلان.

تاکید بر وحدت امت اسلامی: ایجاد وحدت میان مسلمانان یکی از این روایت‌های کلان‌محور بوده که می‌تواند در آینده‌های پیش‌روی جوامع اسلامی موجب تحکیم و اعتلای جامعه شود.

احیای مجدد فرهنگ دانش‌پژوهی در میان امت اسلامی: یکی دیگر از قوانین و روایت‌های کلان تاریخ اسلام، علاقه مسلمانان به فراگیری دانش زمانه خود، ترویج و اعتلای این علوم و فنون می‌باشد که با ترویج فرهنگ «اطلبوا العلم ولو بالصین» که حدیثی ماندگار از پیامبر اسلام (ص) می‌باشد، می‌توان پایه‌های فرهنگی این روند را در آینده‌های دور و نزدیک سامانی نو بخشید.

اصلی‌ترین محورهای چالشی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، در شکل زیر قابل دسته‌بندی است:

۱. اولین و مهمترین چالش پیش‌روی سند، نیاز به ابتدای اجرایی سند براساس فضای اجرایی آینده است. در واقع، مهمترین تهدید سند، آن است که این سند ویژه محیط و شرایط اقتضایی آینده طراحی نگردد، و لذا نتواند در فضای آینده به خوبی اجرا شود. بنابراین، در گام اول می‌بایست با شناسایی ابعاد گوناگون محیط آینده، سند را تا حد امکان به شرایط محیطی آتی نزدیک کرد.

۲. دومین چالش پیش‌روی سند، روش تدوین چشم‌انداز آن است، سند می‌بایست با نگاه به تمدن اسلامی - ایرانی تدوین شده و چشم‌انداز آن در افق بلندمدت، دستیابی به تمدن اسلامی -

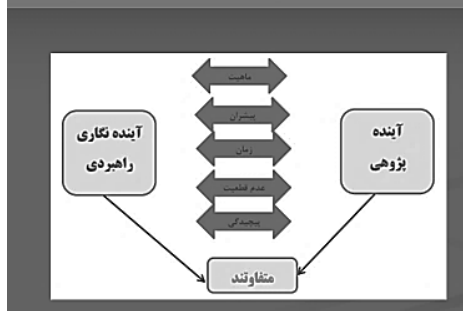
ایرانی باشد. تدوین این چشم‌انداز و ابعاد آن، نیازمند یک چارچوب علمی است. بدین صورت که می‌بایست ابعاد گوناگون تمدن مطلوب آتی شناسایی شده و هر یک از این ابعاد یک‌به‌یک ترسیم شود. ترسیم چشم‌انداز یکی از حوزه‌های مهم آینده‌پژوهی است.

۳. سومین چالش پیش روی سند، راه اندازی و استقرار نظام آینده‌پژوهی است. رسالت اصلی سند، آن است که مجموعه نظامات کشور را به گونه‌ای ترتیب دهد تا بتواند به تمدن اسلامی-ایرانی دست یابد. بدین منظور یکی از اصلی‌ترین نظامات، تدوین نظام آینده‌پژوهی و استقرار آن در کشور است. در واقع می‌بایست نظام آینده‌پژوهی در نقشه کلان کشور طراحی شده و بدین منظور نیاز است نقشه جامع بتواند نظام آینده‌پژوهی را درون کشور مستقر کند.

آینده‌نگاری راهبردی و مطالعات الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

آینده‌نگاری راهبردی شاخه‌ای از آینده‌پژوهی است. این حوزه فراتر از مجموعه‌ای از روش‌ها، به مشاوره پیرامون تعامل بین جامعه‌ی علمی، ذی‌نفعان دستاوردهای تحقیقاتی و سیاستگذاران تاکید دارد. در واقع آینده‌نگاری راهبردی فرایندی منظم بوده و به طور مستمر در پی خلق آینده‌ای مطلوب است و مهم‌ترین هدف آن، تصویرسازی، خلق و ترسیم چشم‌انداز (آینده مطلوب) می‌باشد. لذا، در مقایسه آینده‌نگاری راهبردی با آینده‌پژوهی باید توجه داشت که آینده‌پژوهی شناخت علمی و معرفتی به مفاهیم کاربردی پژوهش‌های آینده می‌باشد. بنابراین، رویکردی درون‌فهمی نسبت به مفاهیم و نیز شناخت آینده‌های بدیل بوده و برخلاف آینده‌نگاری راهبردی که نسبت به مفاهیم کلیدی نگاه برون‌فهمی دارد، ناظر به کاربرد مفاهیم فوق در ساخت آینده مطلوب برای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری آینده است (Kuosa, 2011: p. 58).

تفاوت آینده‌نگاری راهبردی و آینده پژوهی



نمودار شماره ۱. رابطه آینده‌پژوهی با آینده‌نگاری راهبردی

الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت به دلیل ظرفیت‌سازی آینده مطلوب انقلاب اسلامی به عنوان کامل‌ترین، جامع‌ترین و فراگیرترین الگوی آینده مدیریت بر تحولات منطقه‌ای و جهانی برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در رابطه با این حوزه مطالعاتی با رویکردی آینده‌نگاری راهبردی لازم است ساختار، ظرفیت و عملکرد آن را مشخص و معرفی کرد. چراکه آینده‌نگاری راهبردی یک رویکرد فرا آینده‌نگاری بوده که قابلیت مداخله بیشتری در مطالعات موضوعی آینده فراهم می‌کند و قابلیت پیش‌بینی زمان‌های طولانی و محیط‌های پیچیده‌ای از خلق رویدادها را دارد. در چشم‌اندازسازی نگاه عمیق و دراز مدت و کنش‌گرانه داشته و در الگوی پایه اسلامی- ایرانی پیشرفت نیز تاکید بر برخی مولفه‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است، از جمله قدرت پیش‌بینی بلندمدت، توجه به رویکرد تعاملی و مشارکتی، توانایی شبکه‌سازی اجتماعی، مشارکت در تصمیم‌گیری، تاکید بر مشارکت و وحدت ذی‌نفعان و در نهایت تحقق چشم‌اندازها. از آنجا که آینده‌نگاری راهبردی از عناصر و اجزای اصلی و کلیدی برخوردار است که در تحقق این نگرش کاربرد ویژه دارد، در فرایند حرکت به سوی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت باید در نقشه راه مورد توجه قرار گیرد. از جمله این قابلیت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پیش‌بینی توسعه‌های بلند مدت در حوزه‌های خاص

- ایجاد رویکرد تعاملی و مشارکتی در ارزیابی‌ها و تجزیه و تحلیل زمینه‌ها

- ایجاد شبکه‌های اجتماعی جدید

- تدوین چشم‌اندازهای راهبردی براساس حس تعهد مشترک

- ارائه پیشنهادات و مفاهیمی برای تصمیم و اقدام

لازمه حرکت از الگوی پایه به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، تاکید بر هدف‌گذاری شناختی - کاربردی آینده‌نگاری راهبردی است، از جمله:

- شناسایی جهت‌گیری‌های راهبردی آینده در حوزه‌های خاص

در آینده‌نگاری راهبردی تعیین جهت منطبق با هدف نهایی لازم ساخت آینده است. در مطالعات آینده باید ابتدا اهداف باثبات و و توأم با پویایی را از جهت زمان و مکان تعریف کرد. این امر منوط به یک جهت‌گیری راهبردی است، به این دلیل که تعیین جهت بر منطق شناسایی و هدف‌گذاری قرار دارد. اساسا در آینده‌پژوهی جهت‌گیری‌های راهبردی، منطبق بر هدف‌گذاری دقیق و شناخته شده می‌باشد. در ترسیم الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، با تعیین نقطه هدف و چگونگی شکل، ساختار و محتوای انقلاب اسلامی، امکان تصویرپردازی از آینده فراهم خواهد شد تا براساس آن نقشه راه طراحی شود.

- شناخت قوت‌ها و ضعف‌ها

فرایند شکل‌گیری تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در محیط داخلی از قوت‌ها و ضعف‌های خاصی برخوردار است که ریشه در فرهنگ، اقتصاد، سیاست، محیط جغرافیایی و مسایل دیگر دارد. لذا، شناسایی مجموعه قوت‌ها و ضعف‌های موجود حائز اهمیت می‌باشد. آینده‌نگاری راهبردی به دلیل توانمندی فهم قابل توجهی از آینده می‌تواند شرایط را تسهیل کرده و به شناخت قوت‌ها و ضعف‌ها اهتمام داشته باشد. شناسایی ضعف‌ها و قوت‌های الگو، در شکل‌گیری پیشران‌ها، در روندسازی‌ها و خلق رویدادهای آینده و جلوگیری از غافل‌گیری در مواجهه با مسایل نوظهور ایفای نقش می‌کند.

- شناخت تهدیدها و فرصت‌ها

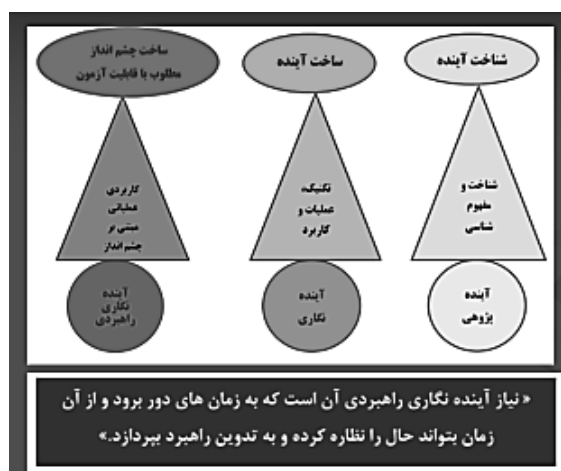
آینده‌نگاری راهبردی علم شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات آینده می‌باشد. شناسایی فرصت‌ها و

تهدیدات آینده مبتنی بر نگرش راهبردی ایستگاهی و نیز دیده‌بانی رویدادهای آینده است. از سوی دیگر، با توجه به تعاریف و معناسنجی اجزای الگو، اساساً ترسیم الگو نیازمند بسترهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی خاصی است.

- تعیین چشم‌انداز مطلوب و آرمانی

هدف در آینده‌نگاری مسایل راهبردی شامل مطالعه و پژوهش به منظور تصمیم‌گیری در فرآیندهای سیاست‌گذاری از طریق تصویرسازی، ترسیم چشم‌انداز و تمرکز بر راهبردهای بلندمدت در محیط‌های دستخوش ناپایداری و عدم قطعیت با بهره‌مندی از چهار عنصر خلاقیت، تعامل در روش‌ها، داده‌های واقعی و خبرگی در آینده‌نگاری می‌باشد.

آینده‌نگاری راهبردی به دنبال ساخت چشم‌انداز مطلوب با قابلیت آزمون اطمینان‌بخش است. همانگونه که در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود، الگو به دنبال چشم‌انداز آینده مطلوب جمهوری اسلامی ایران بوده که باید از طریق ظرفیت‌های این علم ساخته شود.



نمودار شماره ۲.

در تدوین الگوی پایه تلاش شده است با تدوین راهبردهای مناسب جهت مدیریت سازماندهی شده، بر فرایند شکل‌گیری الگوی پیشرفت اقدام لازم و مبنایی صورت گیرد. اعتقاد بر این است که بدون ارائه راهبردهای سازنده، الگو در مسیر رشد و تعالی قرار نگرفته و قدرت تبدیل‌پذیریها به

فاعلیت‌ها را از دست خواهد داد. در تدوین الگو راهبردپدازی در اولویت اول قرار دارد، زیرا عدم قطعیت‌های بسیار مهمی وجود دارد که در ساخت آینده از عناصر و بازیگران مهم به شمار می‌آیند. عواملی که بر این عدم قطعیت‌ها تاثیرگذارند و یا به شناخت ما از این عدم قطعیت‌ها کمک می‌کنند، در نمودار ۲ معرفی شده‌اند.



نمودار شماره ۳.

توجه به شگفتی‌سازها، رویدادها و تغییرات روندها، نشانک‌های ضعیف، جوانه‌های پربازده و فعال و غیره به شناخت ما از عدم قطعیت‌ها منتهی می‌شوند (نمودار شماره ۳).



نمودار شماره ۴.

در طراحی راهبرد آینده، الگوی حوزه تحولات سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پیش‌بینی می‌شود. در مورد آشنایی با مفاهیم موثر در فرایند تدوین الگو مانند روندها، رویدادها، شگفتی‌سازها و غیره تاکنون اشاراتی به عمل آمده است، لیکن به دلیل تفسیر متفاوت از مفهوم جوانه‌ها در این مقاله که در نگرش آینده‌نگاری راهبردی از پیچیدگی خاصی برخوردار است، مختصری این مفهوم شرح داده خواهد شد. در زیر پوستین ظواهر اجتماعی و کالبد قابل ملاحظه افراد، جوامع، کشورها و سازمان‌ها برخی موارد پنهان وجود دارند که به ظاهر قابل رویت نیستند و شناسایی، تشریح و ارزیابی آنها از عهده هر فردی ساخته نیست. شناسایی این موارد که «جوانه» نام دارند، کار مهمی به شمار می‌رود و نباید از دیده‌بانی آینده‌پژوه پنهان بماند. چه بسا همین جوانه‌ها خود در آینده موجب شکل‌گیری و بلوغ کلان روندهای منفی و مولد تهدید یا فرصت شوند، که ما از آنها غافل بوده‌ایم (البته جوانه‌ها می‌توانند به سیگنال‌های ضعیف تبدیل شوند). شناسایی این جوانه‌ها و سخن راندن از آنها در قالب توصیف یا ارائه فرضیه‌های علی و معلولی دشوار و در تصمیم‌گیری‌های راهبردی در آینده‌نگاری راهبردی حایز اهمیت است. کار ویژه آینده‌نگارانه در مواجهه با جوانه‌ها دو گونه است: از یک طرف می‌توان آزادی عمل و اراده تبدیل شدن جوانه‌های منفی را به روندهای خطرناک خنثی کرد و از طرف دیگر می‌توان جوانه‌های مثبت را تقویت و حتی روند پیش‌روی آنها را تسریع نموده و آنها را از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل کرد و عینیت‌یافتگی مطلوب آنها را نهادینه ساخت.

جوانه‌ها به صورت پنهان در حال پیشرفت بوده و شناسایی آنها نیازمند تفکر عمیق و ژرف‌اندیشی جهت رفتن در لایه‌های زیرین جوامع در ابعاد مختلف و بینش همه جانبه جهت شناسایی این جوانه‌ها است. به تعبیری باید همانند سنجابی که وارد لایه‌های زیرین اطراف درختان بارده می‌شود و جوانه‌های زیر برگ‌های پنهان شده را به روشنی می‌بیند، عمل کرد و این مهم از طریق پژوهش و محقق ژرف‌نگر میسر خواهد بود. لازم به ذکر است که بالندگی یا ایستایی انقلاب

۱. «جوانه‌ها» اصطلاحی است که توسط نگارنده در حوزه آینده‌پژوهی که از جریان شکل‌گیری روندها در طی زمان به وجود آمده و در شکل‌گیری رخداد‌های نوین آینده ایفای نقش خواهند کرد، استفاده شده است. تمثیل جوانه‌های روییده شده در حاشیه درخت‌های بارور.

اسلامی ایران ارتباط تنگاتنگی با جوانه‌های آینده‌ساز دارد که احتمالاً در آینده سر درآورده و در تدوین الگوی پایه بر آنها تاکید شده است (عیوضی، ۱۳۹۱).

برخی از جوانه‌های مهم عبارتند از:

- گسترش روندهای گریزپذیر از واقعیت‌گرایی دینی در خانواده‌های مذهبی
 - توجه به گرایش‌های زیربنایی خانواده‌های مذهبی در ارزش‌های مذهبی
 - تحول نگرشی به انقلاب اسلامی ایران در میان متولدین دهه هشتاد
 - بروز زمینه‌های شکاف در جریان‌های همسو با جمهوری اسلامی ایران
 - اهمیت جایگاه روحانیون و حوزه‌های علمیه پیرامون مسائل دینی - فرهنگی
 - تغییر الگوی روابط والدین و کودکان نسل جدید
 - ضرورت گسترش گرایش به ولایت‌پذیری و اطاعت از مقام ولایت.
- در تدوین الگوی پایه، عامل تحول‌ساز و اثرگذار بر روندهای آینده را باید در ماهیت تغییرات جستجو کرد. همانگونه که در نمودار شماره ۵ نشان داده شده است، تغییرات تمدن‌ساز از تغییرات پیش‌بینی شده، تغییرات احتمالی و تغییرات ناشناخته بوجود آمده که موجب به فعلیت درآمدن عدم قطعیت‌ها شده و حتی منجر به آینده‌های بدیلی از انقلاب اسلامی می‌شود.



نمودار شماره ۵.

در نمودار زیر برخی عدم قطعیت‌های بالا که از تغییرات آنها آگاهی چندانی نیست، معرفی شده است، چرا که در صورت دانستن تحولات و تغییرات آنها می‌توان در تدوین الگوی پیشرفت اندیشمندانه عمل کرد.

یکی از ویژگی‌های آینده‌نگاری راهبردی این است که به جای یک طرح معین که به یک هدف مشخص منجر شود، احتمالات و گزینه‌های بیشتری شناسایی شده و مجموعه‌ای از پیشنهادها برای تصمیم‌گیرندگان مهیا می‌شود تا بتوانند برای رسیدن به اهداف پیش‌بینی‌پذیر راهبردهایی را تعیین کنند. بنابراین، آینده‌نگاری راهبردی فرایند یادگیری نگاه به آینده و نتیجه‌گیری برای حال است در این جهت سیاست‌های مناسب برای استحکام‌بخشی زیرساخت الگو، یکی از قابلیت‌های آن می‌باشد (نمودار شماره ۶).



نمودار شماره ۶.

نتیجه‌گیری

در مسأله‌شناسی آینده انقلاب اسلامی، طراحی الگوی پیشرفت گام مهمی در ترسیم چشم‌انداز مطلوب است. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به دلیل ظرفیت‌سازی آینده مطلوب انقلاب اسلامی

به عنوان کامل‌ترین، جامع‌ترین و فراگیرترین الگوی آینده‌مدیریت بر تحولات منطقه‌ای و جهانی و نیز جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید و با این هدف، الگوی پایه به عنوان ترسیم نقشه راه تدوین گردید. لازم است در ارزیابی الگوی پایه و ایجاد سطح بالایی از ظرفیت‌سازی در آن، به عوامل کلیدی مهم مبتنی بر تفکر استراتژیکی توجه شده و در تکمیل الگوی پایه مورد توجه قرار گیرد تا بتواند مسیر حرکت از الگوی پایه به الگوی نهایی اسلامی- ایرانی پیشرفت را طی کند. از جمله این عوامل عبارتند از: پارادوکس‌اندیشی، چشم‌اندازاندیشی، بداهه‌اندیشی، زمان‌اندیشی، منبع‌اندیشی و سعی و خطااندیشی. برای نیل به این هدف تلاش شد با تعیین ظرفیت‌های آینده‌پژوهی، به ویژه در لایه معرفتی و نیز آینده‌نگاری در لایه کاربردی به این احساس نیاز که رمز ماندگاری نظام اسلامی و پویایی آن در آینده خواهد بود، پرداخته شود. آینده‌نگاری راهبردی مجموعه‌ای از چشم‌اندازها و راهبردهای ممکن است که آینده مطلوب می‌تواند از طریق آنها تحقق یافته و به تصمیم‌گیری‌های مهم از جمله پیرامون الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت منجر شود. مساله آینده جمهوری اسلامی در محیط پیچیده فردا در ساخت الگوی پیشرفت با مختصاتی که بتواند از برتری و اثربخشی بالایی برخوردار باشد و قدرت جذب و پاسخگویی بالایی داشته باشد، در سایه آینده‌نگاری میسر است که این مهم در تدوین الگوی پایه مورد تاکید قرار داشت. در چارچوب آینده‌نگاری راهبردی تحقق چنین الگویی در فرایندی متشکل از سیاست‌گذاری و مشارکت سیاست‌گذاران به همراه شناسایی مجموعه‌ای از مسایل حال و آینده امکان‌پذیر است. سند پایه الگوی پیشرفت باید کاملاً منطبق بر محیط آینده باشد تا بتواند از ناهمواری‌های آینده عبور کرده و اثرگذار باشد. بر این اساس، حرکت از الگوی پایه به الگوی نهایی پیشرفت و طراحی راهبردهایی برای نیل به آینده مطلوب و معرفی شرح وظایف و خط سیر مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تلاش‌ها برای ورود به چشم‌انداز آرمانی بحث محوری این مقاله بود.

علی‌رغم اینکه الگوی پایه توانسته است بر پایه معیارها و ملاک‌های علمی و روش‌شناختی مناسب طراحی شود، لیکن به لحاظ عدم انسجام لازم میان اجزاء و نیز ظرفیت‌های درونی آن در قلمرو آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری راهبردی، نتوانسته در زمینه عمق شناخت رویدادهای آینده و به

ویژه در حوزه تفکر استراتژیکی شناخت آینده تحولات و شناسایی جهت‌گیری‌های منطبق با اهداف باثبات و پایدار جمهوری اسلامی از قابلیت نسبی برخوردار باشد. این شرایط شناسایی و اعمال نیازهای مذکور را در تدوین الگوی نهایی اسلامی - ایرانی پیشرفت الزامی می‌کند.

منابع

۱. شوارتز، پیتر (۲۰۰۳). شگفتی‌سازهای اجتناب‌ناپذیر. [بی‌جا]: انتشارات گوتهام بوکز.
۲. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
۳. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۵). شش پرسش و پاسخ آینده‌پژوهانه پیرامون سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. در: پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (۲۹-۳۰ اردیبهشت، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران).
۴. عیوضی، محمدرحیم؛ کیبادی، علیرضا (۱۳۹۱). تعیین قلمرو راهبرد، مأموریت، رسالت، هدف و چشم‌انداز در آینده‌نگاری راهبردی. *مطالعات آینده‌پژوهی*، سال اول، شماره ۳: ۱۶۰-۱۳۳.
۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). آموزش فلسفه. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
6. Cornish, Edward (2003). The Wild Cards in our Future. *The Futurist*, 37: p18-22.
7. Kuosa, Tuomo (2011). Evolution of futures studies. *Futures*, 43: p327-336
8. Sardar, Diyā-ad-Dīn (1985). **Arguments for Islamic Science**. Iqarh: Centre for Studies on Science.